

نوا

ستاره‌ای برای رعایت‌نکردن حقوق هنری!!



بایک چمن آرا تهیه‌کننده و ناشر موسیقی

● وقتی اسنپ می‌گیری، معمولا در برنامه خود و در پایان سفر، بخشی را به‌عنوان نظرخواهی دارد. این برنامه در آخرین به‌روزرسانی خود، در بخش نظرخواهی کیفیت سفر، گزینه‌ای را اضافه کرده با عنوان: موسیقی پخش‌شده در اتومبیل!! در نگاه اول گزینه‌ای جذاب و مناسب به نظر می‌رسد و هرکس که مشتری و مصرف‌کننده اسنپ باشد، خوب می‌داند این ستاره‌ها چه براساس نظرخواهی مسافر، درواقع به راننده تعلق می‌گیرد، تا چه حد برای رانندگان این شرکت حمل‌ونقل موبایلی مهم است. به همین دلیل مسلم است که رانندگان تلاش می‌کنند تا با سلیقه خود یا مسافران‌شان، به زعم خودشان، بهترین موسیقی را در این سفر درون‌شهری پخش کنند. به نظر شما این «بهترین» موسیقی چه باید باشد و مهم‌تر اینکه این «بهترین» موسیقی! از کجا باید تأمین شود!! فرض کنیم که کاری با موسیقی غیررسمی کشور نداریم؛ اما موسیقی‌ای که به طور رسمی در کشور تولید می‌شود، چه به نظر شما این موسیقی تولیدی داخلی را این راننده‌های ستاره‌بگیر از کجا باید تهیه کنند و یا به‌عبارت بهتر، آیا شرکت‌های متنوعه این رانندگان نباید این مسئولیت را برعهده بگیرند که از کجا این موسیقی باید برای رانندگان خواهان آن تهیه شود؟

واقع‌بین باشیم؛ مطمئن هستیم با توجه به بی‌توجهی فرهنگی و اجرایی که درباره کیپ‌رایت یا حق مؤلف و ناشر هم‌اکنون وجود دارد، چنین مسئولیت‌ناپذیری‌ای می‌تواند لطمه جبران‌ناپذیری به صنعت سست‌بنیان تولید موسیقی بزند. هزاران خودرو که تاکتون موسیقی پخش می‌کردند (یا نمی‌کردند)، درحال‌حاضر به دالتودکردن، کپی‌کردن و پلی‌لیست‌ساختن و گلچین درست‌کردن آهک‌های موردنظر خود روی آورده‌اند، بدون آنکه اصلا آگاه باشند که مصرف‌کننده محصولی شده‌اند که مال خودشان نیست و باید بهای آن پرداخته شود. حالا بماند که حتما مسافران و سایر خودروها را نیز به انجام این روند تشویق و ترغیب خواهند کرد.

اسنپ که دارای مدیریت و اتاق فکری باهوش و احتمالا تحصیل‌کرده است و باز احتمالا مدیران آن، اشخاصی فرهنگی و آشنا با مقررات هستند، نباید از یک مشاور باهوش و کاربلد در این‌باره مشورت بگیرند؟

هنوز هم دیر نشده (هرچند سال‌هاست که دیر شده)، به نظر من اسنپ می‌توانست در این‌باره با یک یا چند ناشر وارد مذاکره شود، یا - کار صحیح‌تر- به مجمع صنفی ناشران موسیقی مراجعه کند تا به توافقی مبنی بر استفاده از موسیقی‌های رسمی ناشران و همچنین مناسب ساعت‌های مختلف ترافیک شهری دست یابد. به‌این‌ترتیب مجموعه‌هایی قابل ارائه در پلی‌لیست‌های مختلف اما رسمی و قانونی با دسته‌بندی‌های مذهبی، مناسبتی، فصلی، روز، شب و… تهیه می‌شد و به‌راحتی و طی قرارداد و توافق مالی در اختیار مدیریت اسنپ (یا سایر شرکت‌های حمل‌ونقل شهری یا برون‌شهری) قرار می‌گرفت تا آنها هم با توجه به نوع قراردادشان با اتومبیل‌های همکار، این مجموعه‌های باارزش را در اختیار رانندگان قرار دهند. در چنین فضایی آن ستاره که پیش از این برای استفاده از موسیقی رسمی و تولید داخل به راننده تعلق می‌گرفت و با ریختن آب به آسیاب دالتودهای غیرقانونی هر روز به موسیقی ایران لطمه می‌زد، حالا در اختیار و حمایت و مصرف مردمی موسیقی قرار می‌گیرد و از همه مهم‌تر، قدم بزرگی است که در زمینه آموزش و فرهنگ‌سازی کیپ‌رایت و حقوق مؤلف و ناشر برداشته می‌شود.

قدمی که دقیقا سازمان صداوسیما برنمی‌دارد و خود بزرگ‌ترین نقض‌کننده حقوق مؤلفان و ناشران است.

جاری

نامزدهای نشان «کیارستمی»

● نامزدهای نشان «کیارستمی» هجدهمین جشن حافظ اعلام شدند.
نامزدهای نشان «کیارستمی» عبارت‌اند از:
انزوا (مرتضی علی عباس میرزایی)
انو (خانه) (اصغر یوسفی‌نژاد)
پل خواب (اکتایا بارهانی)
تمارخ (عبد آبهست)
کارخوش (مانی باغبانی)
نشان «کیارستمی» به فیلم‌سازی تعلق می‌گیرد که نخستین فیلم خود را با به کارگیری المان‌های تجربی و نوآورانه ساخته باشد.
هجدهمین جشن سینمایی تلویزیونی «حافظ» ۲۲ مردادماه برگزار می‌شود.

رضا آشفته؛ روح‌الله جعفری، استادیار دانشگاه، کارگردان تئاتر، منتقد و پژوهشگر و سرپرست گروه تئاتر گیتی است که در به‌صحنه‌آوردن آثار نمایش‌نامه‌نویس رومانیایی‌تبار فرانسوی، مائتی ویسنی‌یک شهره است. جعفری از این نویسنده، نمایش‌نامه‌های «اسب‌های پشت پنجره»، «تماشاجی محکوم به اعدام» و «من چه‌جوری ممکنه به پرند باشم؟» را در سالن‌های سایه و چهارسوی مجموعه تئاتر شهر اجرا کرده است. او این‌بار نمایش «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود»، نوشته مائتی ویسنی‌یک با ترجمه اصغر نوری را با دراماتورزی و کارگردانی خودش در تالار چهارسو به صحنه برده است. این روایت برهه‌ای از زندگی کارگردانی (میرهول) است که در روسیه اجازه اجرای نمایش به او داده نمی‌شود. به این بهانه با جعفری گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ شما حدود ۱۰ سال است که در گروه تئاتر گیتی، آثار مائتی ویسنی‌یک را کار می‌کنید. با توجه به شرایط روز جامعه، چرا برای اجرای جدید خود، باز هم به‌سراغ نمایش‌نامه‌ای دیگر از این نویسنده رفتید؟
مائتی ویسنی‌یک در سال ۱۹۵۶ میلادی در رومانی به دنیا آمده و رشته تحصیلی‌اش تاریخ و فلسفه است. ویسنی‌یک عاشق ادبیات است و پس از چندی که اولین مجموعه اشعارش به چاپ می‌رسد، به نمایش‌نامه‌نویسی روی می‌آورد، اما رژیم کمونیستی رومانی تمام آثار نمایشی‌اش را توقیف می‌کند و مجبور می‌شود که به فرانسه کوچ کند. او مهم‌ترین نمایش‌نامه‌نویس رومانی به حساب می‌آید و به‌عنوان مبارز فرهنگی ایمان دارد که تئاتر و شعر می‌توانند شست‌وشوی مغزی را آوری کنند. آثار این نمایش‌نامه‌نویس جهان‌شمول است، از روی مفاهیمی کار می‌کند که کاملا به‌روز است و کهنه و نخب‌نما نیست. برای او کشف و شهود مخاطب از آنچه در اختیارش قرار می‌دهد، مهم است و این مهم‌بودن به‌صورت شعاری و کلیشه‌ای نیست. او در هر نمایش‌نامه‌ای که می‌نویسد، مخاطب را شگفت‌زده می‌کند. او جهانی را برای مخاطب شکل می‌دهد که محور در آن انسان است و برای تجزیه‌وتحلیل‌کردن آنچه خلق می‌کند، گرفتار سیاهی و سفیدی نمی‌شود. او خالق کاراکترها و تیپ‌هایی در آثارش است که خاکستری و البته چندوجهی هستند و این نشان از هوشمندی او دارد که به‌صورت تک‌بعدی نمی‌اندیشد و نمی‌نویسد. بنابراین مخاطب در مواجهه با آثار او گرفتار نخوت و سستی نمی‌شود. برای من به‌عنوان یک هنرمند که دغدغه پرداختن به هنر نمایش را دارد، مهم است که چه نمایشی را، آن‌هم در چه برهه‌ای از زمان، اجرا کنم و در آن نمایش، چه به مخاطب ارائه دهم. یکی از شاخص‌های هنر نمایش، پرداختن به نقد قدرت و سیاست است. در آثار این نویسنده، نقد قدرت و سیاست وجود دارد. این یکی از ویژگی‌های این نویسنده است که در آثار نمایشی‌های خود، بدون آنکه در دام شعارزدگی فروافتد، این کار را صریح و بدون لکنت انجام می‌دهد.

آثار این نویسنده این قابلیت را دارند که در دوره‌های مختلف زمانی اجرا شوند و گروه تئاتر گیتی حدود ۱۰ سال است که این کار را صریح و بدون لکنت انجام می‌دهد. در سال‌های ۸۸ و ۸۹ که شرایط اجتماعی جامعه به‌گونه‌ای دیگر بود، با هم نمایش‌نامه‌هایی از این نویسنده را در مجموعه تئاتر شهر، همانند این برهه از زمان که در حال طی طریق‌کردن در آن هستیم، روی صحنه داشت. این هم‌زمانی در دوره‌های مختلف و



علیرضا نراقی

نمایش‌نامه «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود» که این روزها در تالار چهارسو، به کارگردانی روح‌الله جعفری روی صحنه رفته است، اثری «روان‌کاوانه» است. فرم و بستر کنش در اثر، برآمده از فرایند واکاوی ذهنی پیچیده است. ما به‌عنوان تماشاگر، مانند روان‌کاوان قادر یافته‌ایم تا وارد فضای ذهنی شخصیت مرکزی این نمایش؛ یعنی وساولود میرهول، کارگردان شهیر و بی‌بدیل تاریخ تئاتر روسیه و جهان، شویم؛ مردی با تخیلاتی نوگرا و دریافتی نوین از انسان که واپس‌گرایی جمعی- نهادی انقلاب پس از تبییّت، با ترس‌های دیگرآزارانه‌اش، تاب انقلاب بظراوت فردی او را نداشت. به همین دلیل هم هنرمند انقلابی را که خود - ملهم از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷- واضح «تئاتر اکتبر» بود (و برای همین نوع تئاتر از استانیسلاوسکی جدا شد) در زندان حفظ انقلاب و ارزش‌های پرولتری مدفون کرد.

همان‌طور که اشاره شد، ساختار نمایش‌نامه مائتی ویسنی‌یک روان‌کاوانه و ذهنی است، اما آنچه درون این ذهن را پیچیده و بیبار کرده و سلسله‌ای از گفت‌وگوهای وسواس‌گونه را میان میرهولود و شخصیت‌های حاضر در ذهنش خلق کرده، چیزی جز «سیاست» نیست. میرهولد به مانند دوست و همکار/ هم‌رزم خود، مایاکوفسکی، درک نمی‌کرد که چرا انقلاب از لحظه تبییّت برای «فرمانده»، چیزی جز محافظه‌کاری و گذشته‌گرایی نبود. مایاکوفسکی معتقد بود «این آتشفشانی که انقلاب اکتبر با خود به همراه آورده بود، اشکال نوینی از هنر را طلب می‌کرد»، اما سیاست عام انقلاب، نزد سیاست‌گذاران اصلی، دقیقا جلوی همین «اشکال نوین» ایستاد. لنین پس از نگرانی از ظهور هنر و تئاتری سراسر نو و انقلابی که داشت، با پشتوانه فوتوریست‌ها و کنستراکتیویست‌ها، در تئاتر به دست

عجین‌شدن آن با شرایط روز جامعه‌ای که قصد زیست مسالمت‌آمیز در آن را داریم و تلاش می‌کنیم که فرهنگ برقرار ی دیالوگ را در سطوح مختلف آن نهادینه کنیم، نشان‌دهنده این موضوع است که زبان آثار این نمایش‌نامه‌نویس برای مخاطب، فارغ از نژاد، ملیت و… قابل فهم و درک است.

■ مترجم نمایش‌نامه «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود» آن را در سال ۹۵ اجرا کرد. شما چرا این نمایش‌نامه را برای اجرا در سال ۹۷ انتخاب کردید؟

نویسنده در این نمایش‌نامه به شکل ظریفی به نقد قدرت می‌پردازد و چون جای خالی اجرای درست «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود» در صحنه نمایش، حس می‌شد، تصمیم به اجرای آن گرفتم. در این نمایش، علاوه‌بر نقد قدرت، اندیشه مایکاولی نیز مورد نقد قرار می‌گیرد. نویسنده این نقد را در قالب نمایشی جذاب و نفس‌گیر به مخاطب منتقل می‌کند. در این نمایش، میرهولد از جانش می‌گذرد تا هنرمندی مستقل باقی بماند. او تن به خودفروختگی نمی‌دهد. کمیسون‌های مختلف سانسور و …، او را آن‌قدر زیر فشار و شکنجه قرار می‌دهند تا مطیع شود، ولی او مقاومت می‌کند. این مقاومت‌کردن تاوان دارد و او با ازدست‌دادن جانش، این تاوان را می‌دهد. در این نمایش، میرهولد علاوه‌بر رویاروشدن با عوامل دولتی، با کاراکتر ریچاردی هم که خود در ذهنش به آن جان داده و قصد عینی‌کردن آن کاراکترها و تیپ‌هایی در آثارش است که خاکستری و البته چندوجهی هستند و این نشان از هوشمندی او دارد که به‌صورت تک‌بعدی نمی‌اندیشد و نمی‌نویسد. بنابراین مخاطب در مواجهه با آثار او گرفتار نخوت و سستی نمی‌شود. برای من به‌عنوان یک هنرمند که دغدغه پرداختن به هنر نمایش را دارد، مهم است که چه نمایشی را، آن‌هم در چه برهه‌ای از زمان، اجرا کنم و در آن نمایش، چه به مخاطب ارائه دهم. یکی از شاخص‌های هنر نمایش، پرداختن به نقد قدرت و سیاست است. در آثار این نویسنده، نقد قدرت و سیاست وجود دارد. این یکی از ویژگی‌های این نویسنده است که در آثار نمایشی‌های خود، بدون آنکه در دام شعارزدگی فروافتد، این کار را صریح و بدون لکنت انجام می‌دهد.

■ آیا در اجرایی که شما از این نمایش‌نامه دارید، می‌توان به شناخت درستی از میرهولد، کارگردان نامدار روسیه، رسید؟

جواب این سؤال را باید شما بدهید. باید دید مخاطب چه برداشتی از میرهولد در این نمایش دارد و چه چیزی از نمایش دریافت می‌کند.

■ شما چه جوابی برای این سؤال دارید؟

اندیشه و سبک کاری میرهولد با آنکه او بیش از ۷۸

سال است که دیگر در این جهان نیست، اما همچنان در

بهترین گروه‌های تئاتری دنیا و در بین هنرمندان طراز اول

در حال تکثیرشدن است. مائتی ویسنی‌یک برای انتقال



اندیشه‌اش، از حضور میرهولد به بهترین شکل ممکن در نمایش‌نامه «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود» استفاده کرده تا هم ادای دینی به او داشته باشد و هم به این سؤال تاریخی جواب بدهد که چرا او در زمان حیاتش، نتوانسته نمایش‌نامه «ریچارد سوم» را اجرا کند. من برای اجرای این نمایش، نمایش‌نامه را دراماتورزی کردم و در دراماتورزی انجام‌شده به اندیشه نویسنده پایبند بودم. در این مدت با توجه به بازخوردهای مثبتی که از اهالی قلم و اندیشه، خانواده فرهنگ و هنر و همچنین مخاطبانی که این نمایش را برای تماشا انتخاب کردند، دریافت کردم، می‌توانم بگویم که مخاطب با شخصیت میرهولود و آنچه بر او می‌گذرد، هم‌ذات‌پنداری می‌کند.

■ محدودیت و سانسور دو محور اساسی در فضاسازی این نمایش است. چقدر پرداختن به این

موارد، با توجه به برهه‌هایی که پیش‌رو داشته‌ایم، از

دغدغه‌های خود شما می‌تواند باشد؟

با مطالعه و غور و تفحص در تاریخ هنر نمایش در جهان، به نمونه‌های بی‌شماری می‌توان برخورد که هنرمندان به‌دلیل فکر، اندیشه و کار خلاقه‌شان که در تضاد با دولت‌های تمامیت‌خواه بوده، مورد سانسور و مجازات قرار گرفته‌اند و با آنها برخوردهای قهرآمیز یا حذف‌آمیزی شده است. «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود» یکی از نمایش‌نامه‌های مهم زمان معاصر است که نویسنده در آن به مسئله سانسور و محدودیت، نگاهی اگرچه‌شده نداشته و نتوانسته تصویری روشن و واقعی از برخورد‌ها را همچون استالین در روسیه، با هنرمند به مخاطب ارائه دهد. پرداختن به این موضوع برای هر هنرمند دغدغه‌مندی که به اندیشه و اندیشیدن برای می‌دهد و حاضر نیست که تن به هنر میان‌مایه بدهد و در مسیر ابطال گام بردارد، جذاب است و برای من نیز چنین بوده است. در این سال‌هایی که کار می‌کنم، نمایش‌هایی بوده که آنها را تمرین کردم و آماده برای اجرا بودند، اما به دلیل افعال قانون ناوئشته‌از سوی کسانی که قانون را تفسیر به رای خود می‌کنند، این آثار رنگ صحنه را به خود ندیدند و در مقاطعی نیز جلوسی حرکت‌کردن من و گروه گرفته شد. دولت نباید از فکر و اندیشه هنرمند و اجرای کار خلاقه او



نگاهی به نمایش «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود» تنها کسی که به تئاتر تبدیل شد

درحالی‌که نهاد انقلابی سیاست به واقعیت و اصالت مالوف تاریخ هنر بیشتر وفادار می‌شد، هنرمندان انقلابی سعی می‌کردند هنر را وارد حوزه‌هایی از اثرگذاری اجتماعی‌کنند که مطلوب سیاست نبود و از قضا به آن تبدیل به تئاتر خود شده است. او تنها کسی است که بر مبنای اصول خودش؛ یعنی تئاتر بیومکانیک حرکت می‌کند و تلاش شده بدن و صورتش تبدیل به تجسمی از این نوع تئاتر شود. البته ریچارد رفیق/ دشمن و شخصیت اصلی ذهن میرهولود وجه دیگری از تئاتر انقلابی موردنظر میرهولود را نمایانگی می‌کند و در تئاتر بیومکانیک ابزار و لباس را از بازیگر می‌گیرد و بدن خود او را به ابزاری بدل می‌کند که اصل ارتباط ماشین، کارگر و خلاصه فرایند تولید را بازنمایی کند. در نمایش‌نامه «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود»، آنچه در دگردیسی شخصیت ریچارد اهمیت دارد، همین واقعی‌شدن ریچارد در دست‌آگاه ذهنی میرهولود است؛ تبدیل‌شدنش به آن چیزی که خود میرهولود شر خالص یا مستقیم می‌خواند؛ شری که خود را مانند «فرمانده» در ظاهری متصنع نپوشانده و به شکلی پنهان و خزنده، ذهن هنرمند را مسموم و سپس پوک نمی‌کند، بلکه این هنرمند است که می‌تواند از درون صراحت شخصیت شکسپیر، شر را به شکلی واضح و بیان‌پذیر بدون پیچیدگی‌های روانی و سرکوبگر درک کند؛ شری که قیام علیه آن ممکن است، درحالی‌که قیام علیه شر پنهان؛ شری که در ذهن حاضر می‌شود جز از راه قیام علیه خود ممکن نیست و همین مسئله از شخصیت انقلابی و عصیانگر میرهولود در نمایش‌نامه ویسنی‌یک و تجسم استیلیزه و بیان‌گرایانه جعفری از آن، شخصیتی ضعیف و خودبرآنگز ساخته است.

گفت‌وگو با روح‌الله جعفری، دراماتورژو کارگردان نمایش «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود»

خودسانسوری به‌مثابه عقیم‌شدن اندیشه است

واهمه‌ای داشته باشد و نباید برای همسوکردن هنرمند با خود، رو به سانسور و محدودیت بیآورد. هنرمند اگر از سانسور و محدودیت، هراسی به دل داشته باشد، ترس بر او مستولی می‌شود و تن به خودسانسوری می‌هد. خودسانسوری برای هنرمند به‌مثابه عقیم‌شدن اندیشه و هنر خلاقه‌اش است.

■ برای بیان وضعیت سانسور و محدودیت در شوری، نقش رئیس کیسیون را به بازیگری سپرده‌اید که همچون پدر و مادر، حضور آنها در نمایش، حالت نمادین پیدا کرده و تأویل‌های زیادی را به ذهن می‌تابد می‌کند. چرا برای پرداختن به همه نقش‌ها، البته به‌جز میرهولود و ریچارد، چنین انتخاب‌هایی نکردید؟

در این نمایش، از عوامل دولتی گرفته تا نزدیک‌ترین افراد به میرهولد، همچون پدر، مادر، همسر، فرزند تازه به‌دنیא‌آمده‌اش و… قصد دارند که او را از آنچه به آن می‌اندیشد، باز دارند و به او تحمیل کنند که همان‌گونه که دولت فکر می‌کند، فکر کند و آن‌گونه که دولت می‌خواهد، عمل کند. برای نشان‌دادن طیف‌های مختلف از جامعه‌ای که ویسنی‌یک آن را در «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود» به تصویر درآورده، نیاز به تنوع و تکثر کاراکترها و تیپولوژی‌های مختلف داشتم که بتوانم اندیشه او را در این‌خصوص به بهترین شکل ممکن در کار لحاظ کنم. از همان روزی که برای اولین‌بار این نمایش‌نامه را خواندم، چنین چینیشتی از تصاویر فیزیکال کاراکترها و تیپ‌ها به ذهنم خطور کرد. هرچه مصمم‌تر برای اجرای این نمایش شدم، به استفاده از این ترکیب که در شکل فیزیکال آن و در هیت بازیگران، لحاظ شده و دیده می‌شود، نزدیک‌تر شدم. این ترکیب، ترکیب درست و ایده‌آلی برای جان‌دادن به شخصیت‌ها و تیپ‌هایی است که در نمایش، آنها دست به انواع و اقسام فشارها، سانسورها و رفتار فیزیکال خشن برای مطیع‌کردن و به‌زبانی دیگر، عقیم‌کردن اندیشه میرهولود می‌زنند و وقتی او تن به خواسته آنها نمی‌دهد، از او ناامید می‌شوند و او را از پای درمی‌آورند. در کشته‌شدن او همه این کاراکترها و تیپ‌ها نقش دارند. تصویر این حذف‌آمیزی‌ها و تیپ‌های مختلف، هم می‌تواند نشانی از شکل واقعی باشند و هم می‌توانند در ذهن میرهولود این‌چنین قوام گرفته باشند. در این نمایش، مخاطب با یک کابوس روبه‌رو می‌شود که این کابوس می‌تواند تداعی‌کننده هر لحظه از زندگی انسان معاصر باشد؛ انسانی که قصد آزاداندیشیدن را دارد، ولی به انتحای گوناگون جلوی آزاداندیشی او گرفته می‌شود.

■ مبنای گزینش بازیگران در این نمایش چه بوده است؟

برای شکل‌گرفتن این نمایش، نیاز به بازیگرانی داشتم که بتوانند از پس تمرین‌های منظم و فشرده، آن‌هم به مدت دو ماه و روزی بیش از شش ساعت برآیند. در این جنس از نمایش، بازیگر اگر درگیر طول نقش باشد، شانشی برای حضور در کار نخواهد داشت. اهمیت حضور و نقش‌آفرینی بازیگران در این نمایش، به‌صورت کمی ارزیابی نمی‌شود، بلکه به‌لحاظ کیفی است که باید مورد سنجش و ارزیابی قرار بگیرد که آیا از عهده نقشی که به آنها سپرده شده، برآمده‌اند یا خیر. اگر بازیگر با تصویر کلیشه‌شده‌ای از بازیگری در این جنس از نمایش حضور به‌عمل رساند، نمی‌تواند مفید واقع شود، چون مبنای بازی‌کردن در نقش‌ها و تیپ‌های مختلف آن، ویران‌کردن قواعد و کلیشه‌های رایجی است که بازیگر باید راه و روش برخوردکردن با آن را بلد باشد.

تماشاگر در کنار همه شخصیت‌های خیالی‌شده در ذهن میرهولود، درون ذهن این کارگردان روسی نابغه بنشینیم و افول و ازهم‌پاشیدگی هنرمند را درست مثل جوهره متن، از درون بنگریم.

صحنه در نمایش «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود» تبدیل به ذهن میرهولود شده است و ما نیز در چینیشتی که در تالار چهارسو ترتیب داده شده، کنار این ذهن و آدم‌های پرشمارش قرار می‌گیریم، درحالی‌که جایگاه تماشاگران در سمتی دیگر و پس از جایگاه سوفلور خالی است. میرهولود در این میان تنها کسی است که تبدیل به تئاتر خود شده است. او تنها کسی است که بر مبنای اصول خودش؛ یعنی تئاتر بیومکانیک حرکت می‌کند و تلاش شده بدن و صورتش تبدیل به تجسمی از این نوع تئاتر شود. البته ریچارد رفیق/ دشمن و شخصیت اصلی ذهن میرهولود وجه دیگری از تئاتر انقلابی موردنظر میرهولود را نمایانگی می‌کند و در تئاتر بیومکانیک ابزار و لباس را از بازیگر می‌گیرد و بدن خود او را به ابزاری بدل می‌کند که اصل ارتباط ماشین، کارگر و خلاصه فرایند تولید را بازنمایی کند. در نمایش‌نامه «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود»، آنچه در دگردیسی شخصیت ریچارد اهمیت دارد، همین واقعی‌شدن ریچارد در دست‌آگاه ذهنی میرهولود است؛ تبدیل‌شدنش به آن چیزی که خود میرهولود شر خالص یا مستقیم می‌خواند؛ شری که خود را مانند «فرمانده» در ظاهری متصنع نپوشانده و به شکلی پنهان و خزنده، ذهن هنرمند را مسموم و سپس پوک نمی‌کند، بلکه این هنرمند است که می‌تواند از درون صراحت شخصیت شکسپیر، شر را به شکلی واضح و بیان‌پذیر بدون پیچیدگی‌های روانی و سرکوبگر درک کند؛ شری که قیام علیه آن ممکن است، درحالی‌که قیام علیه شر پنهان؛ شری که در ذهن حاضر می‌شود جز از راه قیام علیه خود ممکن نیست و همین مسئله از شخصیت انقلابی و عصیانگر میرهولود در نمایش‌نامه ویسنی‌یک و تجسم استیلیزه و بیان‌گرایانه جعفری از آن، شخصیتی ضعیف و خودبرآنگز ساخته است.

زیر آسمان فیروزه‌ای

از مطالبه استقرار قانون تا مطالبه حق فردیت

● شرق؛ بیست‌وششمین جلسه شب شعر دف، مصادف یا یادمان سال‌روز قیام مشروطه و با همراهی شماری از شاعران و نویسندگان معاصر ایران؛ رضا اعلی‌بیگی، حافظ موسوی، محمد صالح‌علا، فواد نظیری، محمد قاسم‌زاده و محسن خیمه‌دوز و… در خانه کتاب نشر دف و با اکران مستند شاعران مشروطه (ساخته امیر فرض‌اللهی) برگزار شد. در این نشست، بحث رضا اعلی‌بیگی مبنی بر امکان مطابقت عناصر اجتماعی و نقش شاعران مشروطه با عصر حاضر، با پاسخ حافظ موسوی همراه شد که: «در دوره مشروطه مطالبه اجتماعی مبتنی بر یک امر عمومی و کلی یعنی استقرار قانون بوده است، ولی اساس مطالبه اجتماعی در دوره معاصر مبتنی بر حق فردیت افراد است، به نحوی که اگر قانون‌قادر به تأمین حقوق فردی آحاد جامعه نیست، مردم اصلاح و بازبینی آن را از دولت مطالبه می‌کنند». فواد نظیری دیگر مهمان برنامه بر آن است که: «تخول» و نوگرایی در زبان شعر و ادب از عصر مشروطه تا دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی تداوم داشته است، ولی در چهار دهه گذشته، به‌ویژه به دلیل ممیزی



و سانسور، سیر نوگرایی و تطور زبانی در جامعه متناسب با نیازهای امروز مغفول مانده است». او به مضامین عالی اجتماعی می‌پردازند، ولی به‌لحاظ قالب و ساختار زبانی، شمول پیشرفت نبوده‌ایم». محمد صالح‌علا و محسن خیمه‌دوز نیز معتقدند که در این سال‌ها روشنفکران، خود نیز در موقعیت گفت‌وگو و در تعامل مثبت با قدرت قرار نگرفته‌اند و این سبب شده نتوانند نقش مهم و مؤثری را در اصلاح قدرت ایفا کنند.

این نشست با فرازهایی از نقد مستند به نمایش شروع شد و با شعرخوانی قطعاتی از شاعران مشروطه پایان یافت.

لیلی گلستان: سورپرایز شدم



● شرق؛ گالری گلستان ایس روزها یکی از دلایل ترافیک سنگین دروس، محله قدیمی تهران است؛ فروش ۶۴ اثر در چهار روز نخست نمایشگاه «صد اثر صد هنرمند» در مجموع به قیمت ۳۱۳ میلیون تومان خود گویای میزان استقبال مردم است. در صدر پرفروش‌ترین هنرمندان از منظر تعداد آرمان یعقوب‌پور قرار دارد که پنج اثر او فروخته شده، مرتضی دره‌باغی، منیره قنبری و شمس‌الدین غازی هم هر یک با فروش سه اثر در رتبه بعدی قرار دارند. اما گران‌ترین آثار فروخته‌شده در اختیار نام‌های معتبر است. فرامرز پیلارام ۴۰ میلیون تومان، سیراک ملکونیان ۳۰ میلیون تومان، رضا مافی ۳۰ میلیون تومان، فریده لاشایی ۲۵ میلیون تومان، محمد احصایی ۲۵ میلیون تومان و حجت شکیب ۲۰ میلیون تومان. اما خبر خوشحال‌کننده فروش قابل‌توجه هنرمندان جوان و مقیم شهرستان در نمایشگاه معتبر پایتخت است؛ از ۱۱ نقاش از اصفهان کار فروخته شده، یک مجسمه از هنرمند بوشهری، یک اثر از نقاش و مجسمه‌ساز شیرازی و یک اثر از مجسمه‌ساز خرم‌آباد لرستان.

گرچه ایس روزها دیوارهای گالری گلستان جای سوزن‌انداختن هم ندارد اما بدو ورود، آثار خیره‌کننده بهمن محمصص روی دیوار روبه‌رویی آنی دارد که چشم شما را خیره می‌کند؛ یکی سیاه‌سفید است و دیگری با رنگ غالب آبی؛ نبوغ سادگی کار خود را می‌کند و در انبوه رنگ‌ها و نقش‌ها تماشاای خود را به مخاطبان دیکته می‌کند؛ اینها در زمره گران‌ترین آثار نمایشگاه هستند. لیلی گلستان در جنب‌وجوش است. آثار فروخته‌شده تددند از روی دیوار برداشته و برای مجموعه‌داران و علاقه‌مندان پیچیده می‌شود. بلافاصله از گالری با هنرمند تماس می‌گیرند و می‌گویند که جای تابلویش بر دیوار خالی شده و لازم است فردا صبح یک اثر دیگر به گالری ارسال‌کند. بانوی همیشه شلوغ تجسمی و ترجمه لایه‌ای دبدوبدهایش گفت: «سورپرایز شدم، با توجه به شرایط اقتصادی واقعاً امید چندانی نداشتم، اما این شهر بسیار عجیب است و ما فروش خیلی خوبی داشتیم که خود ما را متعجب و خوشحال کرد. خبر خوب این است که گویا مردم از راه خرید اثر هنری پس‌انداز می‌کنند». او افزود: «خوشحالم که جوان‌ها خوب فروختند. حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد جوان‌ها امسال از شهر اصفهان در نمایشگاه شرکت کردند. آثارشان فوق‌العاده است. خیلی خوشحالم که هنرمندان شهرستانی دارند خودشان را معرفی می‌کنند و موفق هم هستند. درعین‌حال دیدم موفقیت صداتر چقدر به جامعه هنری انرژی مثبت داده و از این نظر هم خیلی خرسندم».